

## دکتر آیو آدوویا، دوم قرنطیان، جلسه ۱۱، دوم قرنطیان ۱۰، دفاعیه رسولی پولس

آیو آدوویا و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر آیو آدوویا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرنطیان است. این جلسه ۱۱، رساله دوم قرنطیان ۱۰، دفاع رسولی پولس است.

اکنون بررسی خود را از رساله دوم قرنطیان ۱۰-۱۳ آغاز می‌کنیم.

این فصل‌ها در کنار هم به بحث در مورد اثبات اقتدار رسولی پولس می‌پردازند. پولس در دفاع از اقتدار خود، به حوزه‌های مختلفی خواهد پرداخت. فقط به عنوان مقدمه، در مورد این موضوع فکر کنید.

شخصی در تلاش برای تمسخر و ریشخند کردن مبلغ بزرگ، ویلیام کری، به او گفت که شنیده است کری کفاش است. اما ویلیام کری، با توجه به فروتنی‌اش، به او گفت که او حتی کفاش هم نیست، بلکه یک کفاش یا رفوگر معمولی است. بنابراین، به نظر می‌رسد نکته این است که یک کفاش معمولی کمترین صلاحیت را برای مبلغ بودن دارد.

چیزی شبیه به همین پویایی چیزی است که در زندگی پولس خواهیم یافت. یک مرد عادل، معمولی، کارگر، یک کارگر جرم. پس چرا کسی باید او را جدی بگیرد؟ بیشتر در مورد اینکه او را یک رسول بدانیم صحبت کنید.

قرنطیان خواهند گفت که یک رسول برای امرار معاش کار نمی‌کند. باید بالاتر از این باشد. به نظر می‌رسد که برخی از قرنطیان همین را می‌گفتند.

یک رسول، فردی با وقار و شخصیتی قوی خواهد بود. اما در مورد پولس چطور؟ مخالفانش در قرنطس او را بسیار شیرین و ملایم، ملائیم و ترسو، بدون شهادت تصویر می‌کردند، وقتی با دیگران است ضعیف است و فقط وقتی دور است جسور است و می‌تواند نامه‌های آتشین به آنها بفرستد. او بیشتر پارس می‌کند تا گاز بگیرد.

می‌بینید، معلمان دروغین قرنطس، پولس را به این شکل مسخره کرده‌اند. بنابراین، با شروع از این فصل، پولس از رسالت و خدمت خود در برابر تحریف‌های مختلف معلمان دروغینی که به کلیسای قرنطس نفوذ کرده‌اند، دفاع می‌کند. برخی از معلمان دروغین قرنطس که ادعا می‌کنند رسولان واقعی مسیح هستند، اقتدار پولس را بدنام کرده و همچنین مأموریت رسالتی او را به سخره گرفته‌اند.

آنها ویژگی‌های خداپسندانه‌ی او را اشتباه فهمیده‌اند و اهداف حکیمانه‌اش را بد تفسیر کرده‌اند. اما چقدر اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند. من بودن به این معنی نیست که کسی سست، تنبل یا فقط معمولاً خوش‌گذران باشد.

همانطور که پولس می‌نویسد، فروتنی او با قاطعیت و واقع‌بینی که باید با دشمنان و خوانندگانش داشته باشد، ناسازگار نبود. بنابراین آنچه از دوم قرنطیان، فصل ۱۰، آیه ۱، تا فصل ۱۳ می‌بینیم، تغییر ناگهانی در لحن و بلاغت است. در اینجا، در این فصل‌ها، پولس با شور و نشاطی تازه به موضوع مشروعیت رسالت خود می‌پردازد.

اکنون، او توجه خود را به مقابله با حملات شخصی که عمدتاً توسط رسولان دروغین به سمت او هدایت می‌شد، معطوف می‌کند، که در آیه ۱۳:۱۱ به آنها می‌پردازیم. و متأسفانه، اثرات سوء نفوذ آنها بر کلیسا می‌بینید، برخی از قرن‌تیان علیه پولس شده‌اند.

بنابراین، در این بخش‌ها، هشدار بسیار جدی را می‌بینیم که در سراسر متن نفوذ کرده و عمدتاً متوجه کسانی است که گناه کرده‌اند و هنوز توبه نکرده‌اند. همچنان که پولس برای سومین سفر خود به قرنتس آماده می‌شود، بیشتر در مورد ویژگی یک خدمت واقعی رسولی توضیح می‌دهد. یکی دانستن خود با انجیلش، که در فصل‌های قبلی مطرح کرده بود، آشکارتر می‌شود.

همانطور که بن ویتزینگتون اظهار نظر می‌کند، آنچه که در فصل‌های ۱ تا ۹ در حال جوشیدن بوده، در فصل‌های ۱۰ تا ۱۳ به جوش و خروش می‌آید. پایان نقل قول. بنابراین این بدان معناست که اکنون با یک گذار ناگهانی بین فصل‌های ۱ تا ۹ و ۱۰ تا ۱۳ مواجه هستیم.

می‌بینید، گذشته بر فصل‌های ۱ تا ۷ حاکم است، جایی که پولس سفر اخیر خود را توضیح می‌دهد. این فصل‌ها ماهیت عهد جدید و بنابراین، رسالت رسولی او را توصیف می‌کنند. جذابیت فصل‌های ۸ تا ۹ مربوط به زمان حال است.

او در پی تکمیل قربانی مقدسین به مؤمنان اورشلیم، برای مؤمنان اورشلیم است. تمرکز پولس تا این لحظه بر خود قرن‌تیان بوده است. اکنون توجه او به مخالفانش در فصل‌های ۱۰ تا ۱۳ معطوف می‌شود، جایی که دیدگاه آینده مطرح می‌شود، زیرا پولس در آماده‌سازی برای سومین دیدار خود از اقتدار رسولی خود دفاع می‌کند.

حال، همانطور که در مقدمه کتاب گفتیم، افراد زیادی هستند که از نظریه تقسیم‌بندی دفاع کرده‌اند، و پیشنهاد می‌کنند که فصل‌های ۱ تا ۹ و ۱۰ تا ۱۳ را داشته باشید. افرادی که استدلال می‌کنند ۱۰ تا ۱۳ یک نامه جداگانه را تشکیل می‌دهند یا در بر می‌گیرند. یا بخشی از نامه قبلی که گم شده است، یا یک نامه غم‌انگیز، یا حتی نامه بعدی به قرنتس.

اما باید بگوییم، ببینید، ما وحدت ادبی رساله دوم قرن‌تیان را حفظ می‌کنیم. بگذارید این روشن شود، بگذارید این روشن شود. زیرا اگرچه نظریه‌های تقسیم‌بندی وجود دارد، حتی اگر بپذیریم، بایید برای لحظه‌ای بپذیریم که این کتاب از تکه‌های کوچک و بخش‌های مختلفی اینجا و آنجا تشکیل شده است.

اما آنچه در متون مقدس داریم، همان چیزی است که داریم و آن را به عنوان یک وحدت ادبی در نظر می‌گیریم زیرا از پیام متن نمی‌کاهد. بنابراین، سوال این است که آنچه در متون مقدس داریم به ما چه می‌گوید؟ این برای ما به عنوان خادم یا مؤمن امروز چه معنایی دارد؟ ما می‌دانیم که بین قرن‌تیان و پولس وضعیت رو به وخامت وجود دارد، منظوم مشکلی است که وجود دارد. این فصل‌ها به سه بخش واضح تقسیم می‌شوند.

در فصل ۱۰، آیات ۱ تا ۱۸، پولس مستقیماً با مخالفان خود در قرنتس روبرو می‌شود تا از درستکاری خود به عنوان یک رسول دفاع کند. در فصل ۱۱، آیات ۱ تا ۱۲ و ۱۳، او احساس می‌کند که مجبور است در فخر فروشی خود نقش یک احمق را بازی کند. در نهایت، در فصل ۱۲:۱۴ تا ۱۳:۱۰، پولس به کلیسا توصیه می‌کند که خود را برای سومین سفرش به قرنتس آماده کنند.

در غیر این صورت، وقتی او بیاید مجبور خواهد شد با شدت عمل کند. سپس نامه در آیات ۱۱:۱۳ تا ۱۴ با یک نصیحت نهایی و یک دعای خیر به پایان می‌رسد. بنابراین، بیایید با فصل ۱۰ شروع کنیم، جایی که پولس شروع به پاسخ دادن به مخالفان خود می‌کند.

ببینید، این مزاحمانی که با اقتدار پولس در قرن‌تس مخالفت کردند، یهودی بودند. منظورم این است که گفتگوهای مختلفی در مورد اینکه مخالفان پولس در قرن‌تس چه کسانی بودند، وجود داشته است. جری سامنی در واکنش به آنچه دیتر جورج نوشته است، کتاب بسیار خوبی در مورد مخالفان پولس در قرن‌تس نوشته است و اینها گفتگوهای فوق‌العاده‌ای هستند، گفتگوهای خوبی برای بررسی

اما آنچه می‌دانیم این است که این مزاحمان آمده‌اند تا اقتدار پولس را تضعیف کنند، و آنها از مسیحیان غیریهودی حمایت می‌کردند که باید در عین حال که ادعا می‌کنند رسولان مسیح هستند، اعمال یهودی را نیز بپذیرند. بنابراین، پولس تعهد خاصی نسبت به قرن‌تس احساس می‌کرد تا از آنها در برابر معلمان دروغینی که اعتماد قرن‌تس به اقتدار او را تضعیف می‌کردند، محافظت کند. او به جای اینکه احساسات قوی خود را نسبت به این مخالفان نشان دهد، خود را تسلیم حلم و مهربانی مسیح می‌کند.

بنابراین، بیایید فصل دهم رساله دوم قرن‌تس را از آیه ۱ بخوانیم. در واقع، کل فصل را خواهیم خواند اکنون من، پولس، شما را به حلم و مهربانی مسیح نصیحت می‌کنم، من که در حضور شما حلیم هستم، اما در غیبتان با شما جسور. از شما می‌خواهم که وقتی حضور دارم، نیازی نباشد با همان اعتمادی که در برابر برخی که ما را مطابق با طبیعت نفسانی خود می‌دانند، شجاع هستم، جسور باشم.

زیرا اگرچه ما در جسم رفتار می‌کنیم، اما طبق طبیعت نفسانی خود نمی‌جنگیم. زیرا سلاح‌های جنگ ما از طبیعت نفسانی نیستند، بلکه از قدرت الهی برخوردارند تا قلعه‌ها را ویران کنند. ما گمانه‌زنی‌ها و هر چیز متکبری را که در برابر شناخت خدا قد علم کند، نابود می‌کنیم و هر اندیشه‌ای را به اطاعت مسیح اسیر می‌کنیم و آماده‌ایم تا هر نافرمانی را هر زمان که اطاعت کامل شود، مجازات کنیم.

شما به چیزها آنطور که در ظاهر هستند نگاه می‌کنید. اگر کسی به خود اطمینان دارد که مسیح است، باید دوباره در درون خود به این موضوع فکر کند: همانطور که او مسیح است، ما نیز مسیح هستیم. زیرا حتی اگر کمی بیشتر به اقتدار خود ببالم، اقتداری که خداوند برای ساختن شما داده است نه برای ویرانی شما، شرمنده نخواهم شد.

زیرا نمی‌خواهم طوری به نظر برسد که انگار با نامه‌هایم شما را می‌ترسانم. زیرا می‌گویند نامه‌های او سنگین و قوی است، اما حضور شخصی‌اش بی‌ابهت و گفتارش حقیر است. چنین شخصی باید این را در نظر بگیرد: ما در غیاب نامه‌ها در جنگ همان کسانی هستیم که در حضور نیز چنین افرادی هستیم.

ما به اندازه کافی جسارت نداریم که خود را با برخی از کسانی که خود را ستایش می‌کنند، طبقه‌بندی یا مقایسه کنیم، اما وقتی آنها خود را با خودشان می‌سنجند و با خودشان مقایسه می‌کنند، این کار را بدون درک انجام می‌دهند. اما ما فراتر از اندازه خود، بلکه در چارچوب حوزه‌ای که خدا برای ما به عنوان معیار تعیین کرده است، فخر نمی‌کنیم، تا حتی به شما نیز برسیم. زیرا ما خود را بیش از حد گسترش نمی‌دهیم، گویی که به شما دست نیافته‌ایم.

زیرا ما مجبور شدیم بیاییم، ما اولین کسانی بودیم که حتی به شما در انجیل مسیح رسیدیم، و نه اینکه فراتر از اندازه خود، یعنی به القاب دیگران، فخر کنیم، بلکه با این امید که با رشد ایمان شما، ما در حوزه خود توسط شما حتی بیشتر گسترش یابیم، تا انجیل را حتی به مناطقی فراتر از شما موعظه کنیم، و نه اینکه به

آنچه در حوزه دیگری انجام شده است، فخر کنیم، اما کسی که فخر می‌کند، باید به خداوند فخر کند، زیرا کسی که خود را ستایش می‌کند مورد تأیید نیست، بلکه کسی است که خداوند او را ستایش می‌کند. بنابراین در کل فصل می‌بینیم که پولس به مخالفان خود پاسخ می‌دهد.

می‌بینید، رسول با اتهامات مختلف مخالفانش، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، با ادعای اساسی در آیه ۳ روبرو شد. در آیه ۳، آن را همینجا می‌بینید: در آیه ۳ می‌گوید، زیرا اگرچه ما در جسم کار می‌کنیم، اما در این قسمت دوست دارم. می‌گوید که ما به عنوان انسان NRSV جسم با خود نمی‌جنگیم. من ترجمه زندگی می‌کنیم، اما طبق معیارهای انسانی جنگ نمی‌کنیم.

بنابراین، وقتی می‌گوید اگرچه ما در جسم زندگی می‌کنیم، اما به عنوان انسان زندگی می‌کنیم، قرار است بی‌پروا با پیام خود روبرو شود و با آن مقابله کند. در خدمت او به عنوان یک رسول، سلاح‌های پولس روحانی هستند. اقتدار او ثابت است. این را در آیات ۷ تا ۱۱ می‌بینید، و فخر فروشی او در آیات ۱۲ تا ۱۸ مشروع است.

جالب است که پولس از مخالفان خود نام نمی‌برد، اما می‌داند که آنها چه کسانی هستند. خب، چرا او از آنها نام نمی‌برد؟ ما واقعاً نمی‌دانیم. شاید، همانطور که کسی گفته است، تکنیک نام نبردن از قبل به عنوان راهی برای تضعیف جایگاه حریف شناخته شده بود.

این همان چیزی است که شیلینگتون پیشنهاد می‌دهد. او گفت که تکنیک عدم نام بردن، از قبل به عنوان راهی برای کاهش جایگاه حریف شناخته شده بود. پولس از دوستان و همکارانش نام می‌برد، اما از دشمنانش نام نمی‌برد.

شاید باید بگوییم، خب، ارزشش را ندارد. بیایید آنها را بزرگ نکنیم. این خیلی جالب است.

می‌بینید، ویژگی بلاغی باب‌های ۱۰: ۱ تا ۱۸، با باب‌های ۱۰ تا ۱۳ یکی است. حال و هوای اینجا تدافعی است و به معنای وسیع‌تر چیزی تعلق دارد که محققان ما آن را بلاغت قانونی یا قضایی می‌نامند. انگار خود پولس در دادگاه حاضر شده بود و از خودش دفاع می‌کرد.

پولس در کتابش از فضای دادگاه استفاده می‌کند، درست همان چیزی که ما در فصل‌های ۱ تا ۷ داریم. پولس مصمم بود خوانندگان را متقاعد کند. پولس در چارچوب سنت متقاعدکننده بلاغت یونانی-رومی می‌نویسد. او به عنوان فردی تحصیل کرده در زمان خود، احتمالاً این کار را به طور طبیعی انجام می‌دهد، نه خودآگاه.

یادداشت پزشکی قانونی، دفاعیه او از اقتدار رسولی و انجیلش را تحت الشعاع قرار می‌دهد. توجه به این نکته، بسیار بسیار مهم است. ببینید، به نظر می‌رسد که بین نگارش فصل‌های ۱ تا ۹ و فصل‌های ۱۰ تا ۱۳ وضعیت جدیدی ایجاد شده است.

یادتان هست در یکی از جلسات قبلی گفتیم که اینطور نیست که پولس یک شبه بنشیند و بگوید، من امروز رساله دوم قرنتیان را از باب ۱ تا باب ۱۳ می‌نویسم. اینطور اتفاق نمی‌افتد. او احتمالاً باب‌های ۱ تا ۹ را نوشته است، و در این بین، همانطور که این کار را انجام می‌داد، قبل از اینکه بتواند آن را ارسال کند، وضعیت جدیدی پیش آمده است، و بنابراین ۱۰ تا ۱۳ را به طور متفاوتی نوشته است.

همانطور که فرانسیس یانگ نیز در کتاب خود با عنوان «معنی و حقیقت» به طور قانع‌کننده‌ای استدلال کرده است، در دوم قرن‌تیان نشان داده است که بیشتر مضامینی که در بخش اول دوم قرن‌تیان ۱ تا ۹ می‌یابید، در واقع در ۱۰ تا ۱۳ نیز وجود دارند. و برخی از زبان‌های همپوشانی را مشاهده می‌کنید. به عنوان مثال، موضوع فخرفروشی است که در بخش اول و سایر موضوعات مشابه آن را می‌بینید.

بنابراین، ما این را به عنوان یک واحد ادبی می‌بینیم. بنابراین، با نگاهی به فصل ۱۰، می‌توانیم آن را به سه بخش تقسیم کنیم. اولین بخش، آیات ۱ تا ۶ است. در آیات ۱ تا ۶، می‌بینید که پولس از خود دفاع می‌کند.

خب، شما فروتنی و قاطعیتی را که او با آن از خود دفاع می‌کند می‌بینید. یا ماهیت معنوی سلاح‌های پولس را می‌بینید. در اینجا، پولس از قرن‌تیان التماس می‌کند که وقتی دفعه‌ی بعد به دیدار آنها می‌آید، او را مجبور نکنند که با جسارت اقتدار خود را به کرسی بنشانند.

به نظر می‌رسد که او به دیدگاهی که برخی در قرن‌تس نسبت به خود دارند، پاسخ می‌دهد. جان کالوین آن را اینگونه توصیف می‌کند. ببینید آنها چه می‌گویند.

ببینید، آنها می‌گفتند، اینجا مردی است که به خوبی از حقارت خود در حضور ما آگاه است. او بسیار فروتن و ترسو است، اما حالا، وقتی دور است، به شدت به ما حمله می‌کند. چرا او در سکوت جسورانه‌تر از نامه‌هایش است؟ این چیزی است که جان کالوین می‌گوید. می‌بینید، در ذهن منتقدانش، حضور شخصی پولس با اقتداری که در نامه‌هایش نشان می‌داد، مطابقت نداشت.

این از آیه ۱۰ آشکار است. بنابراین، آنها سکوت پولس در اعمال اقتدار رسولی‌اش را اشتباه تفسیر کردند، زیرا ماهیت معنوی خدمت رسولی را به طور دقیق طراحی نکرده بودند. آنها نمی‌دانستند که معنای آن چیست.

شاید آن رسولان دروغین که با خودنمایی و نشان دادن قدرتشان به آنجا می‌آیند، چنین باشند، اما پولس اینگونه نبود. می‌بینید، عدم درک آنها از نبرد پولس در برداشتشان از خود انجیل و بنابراین از مسیح او منعکس شده است. همه چیز برای آنها تحریف شده بود.

بنابراین پولس این بخش از نامه خود را با یک درخواست شخصی مؤکد آغاز می‌کند که با لحنی آمرانه. طنین‌انداز می‌شود. او گفت، من خودم، پولس.

درخواست تجدید نظر. بله، یک عنوان قاطع که فقط در نامه‌های پولس اینجا آمده است. اینجا تنها جایی است که او می‌گوید، من خودم، پولس.

در جاهای دیگر، او می‌گوید، من خودم. او این را گفته، اما اینکه بگوید من خودم پاول هستم. اینجا، منظورم این است که یونانی در واقع بسیار قوی است. او می‌گوید، خود خود.

. پاول از این استفاده نمی‌کند. منظورم این است که، خود پائولوس. خود پائولوس.

من خودم، پولس. من پولس. پولس شاید بخواهد خودش را از همکاری تیموتائوس متمایز کند.

ما نمی‌دانیم که آیا مسئله همین بوده یا نه. یادتان باشد، گفتیم که پولس حاضر به همکاری و ذکر نام تیموتائوس در نامه بود، اما از آن زمان تاکنون از تیموتائوس خبری نداریم. اما حالا او می‌گوید، من خودم پولس.

شاید این فقط وسیله‌ای برای جدا کردن خودش از آن همکارانش باشد، نه به این خاطر که مشکلی با آنها داشتند، بلکه به این دلیل که تمام توهین‌ها و اتهامات به جای همکارانش، به عنوان یک شخص به پاول زده می‌شد. بنابراین، او می‌خواست مستقیماً با این مسائل روبرو شود. او در حال آماده شدن برای پذیرفتن مسئولیت است، در این مرحله، او در حال آماده شدن برای به عهده گرفتن مسئولیت است.

پولس شخصاً با چالش اقتدار خود به عنوان یک رسول روبرو است. با این حال، و این جالب است، که اینجا مردی است که می‌خواهد اقتدار را اعمال کند. او گفت، من خودم، پولس، اما سپس به نرم کردن اعمال پیشنهادی اقتدار رسولی خود پرداخت.

می‌دانید چه گفت؟ به جای دستور دادن، گفت: «از تو درخواست می‌کنم.» این مردی است که می‌خواهد «اقتدار خود را اعمال کند، اما بلافاصله می‌گوید: «از تو درخواست می‌کنم.» از تو درخواست می‌کنم».

خیلی جالبه. از شما خواهش می‌کنم. بنابراین، پولس احساس وظیفه ویژه‌ای برای محافظت از قرن‌تیان داشت، و در اینجا خود را تسلیم فروتنی و ملایمت مسیح کرد و در عین حال با قاطعیت با اوضاع برخورد کرد.

دشمنانش او را به فروتنی متهم کردند، اما قاطعیت پولس در جسارتی که با آن برخورد می‌کند، آشکار است. دشمنانش او را متهم کردند که وقتی در میان قرن‌تیان حضور داشت فروتن و وقتی از آنها غایب بود جسور بود. آنها تلویحاً گفتند که پولس در واقع یک بزدل بود، بزدلی که فقط از دور جسورانه عمل می‌کرد.

او با اصرار به خوانندگانش مبنی بر اینکه طوری رفتار کنند که وقتی او بیاید، مجبور نباشد دشمنانش را دروغگو نشان دهد، که البته این کار را خواهد کرد، این اتهام را قاطعانه رد می‌کند. همانطور که در آیه ۲ می‌بینیم، او به خوانندگانش اطمینان می‌دهد که اگرچه او فروتن است، اما می‌تواند جسور و شجاع نیز باشد. جسارت او قرار نبود به نامه‌هایش محدود شود.

در واقع، دلیلی وجود داشت که پولس در حالی که با آنها بود، ملایم اما در نوشتن جسورانه عمل می‌کرد. او می‌خواست که آنها برای رسیدگی به آنچه در میانشان اشتباه بود، اقدام کنند. پولس می‌گوید، از شما درخواست می‌کنم، و این هم دلگرم‌کننده و هم چالش‌برانگیز است.

او با نشان دادن اینکه او یکی از خودشان است، از آنها درخواست کرد و با اطمینان از اینکه آنها او را به عنوان یک رسول به رسمیت خواهند شناخت، با جماعت به عنوان دیگر ایمانداران صحبت کرد. او با فروتنی و ملایمت مسیح گفت. گوش کنید، ما در یکی از جلسات خود گفتیم که پولس اقتدار خود را با فروتنی اعمال می‌کرد.

در اینجا دوباره، او آن را نشان می‌دهد. اقتدار پولس با محبت در روح مسیح اعمال می‌شود، که او را به خدمت مأمور کرده است، چیزی که پولس به طور غیرمستقیم از قرن‌تیان نیز می‌خواهد که به این شکل عمل کنند. نه، تأکید اینجا بر پولس است، نه بر قرن‌تیان.

شخصیت مسیح، همانطور که با فروتنی و ملایمت تعریف می‌شود، شیوه و عامل جذابیت پولس است. ما این دو اصطلاح را در متون باستانی، از جمله سایر متون اولیه مسیحی، در کنار هم می‌بینیم. می‌بینید، همان سؤالی که در فصل ۸، آیه ۹ مطرح شد، در اینجا نیز مطرح است که به فقیر شدن مسیح اشاره داشت.

بنابراین، اشاره پولس به حلم و نرمی مسیح، مسیح از پیش موجود را توصیف می‌کرد، که در تجسم خود فروتنی بشریت را بر خود گرفت. مارگارت ترال اظهار می‌کند که این ویژگی‌ها در مورد مرگ تحقیرآمیز عیسی نیز صدق می‌کند. آیا پولس به مرگ تحقیرآمیز عیسی اشاره می‌کند؟ آیا پولس به ویژگی‌هایی که در زندگی تاریخی عیسی نشان داده شده است، اشاره می‌کند، کسی که ادعا می‌کرد، من حلیم و فروتن هستم؟ برخی از مفسران بر اساس مطالعه دقیق کلمات حلم و نرمی تصمیم می‌گیرند.

اگرچه هر دو اصطلاح می‌توانند به معنای ملایمت باشند، اما صرفاً مترادف نیستند. آنها متفاوتند. در این استعاره، می‌بینیم که یکی دیگری را توصیف می‌کند.

درست مثل اینکه پولس درباره فیض و رسالت صحبت می‌کند. در دوم قرن‌تین فصل ۱۰ آیه ۱، فروتنی که بیشتر با آن آشنا هستیم، ملایمت را تعریف می‌کند. این همان چیزی است که در آنجا اتفاق می‌افتد.

او از ملایمت صحبت می‌کند، یعنی خویش‌ن‌داری ملایم. خویش‌ن‌داری ملایم. همین کلمه را وقتی می‌بینید که از فلیکس، فرماندار، مؤدبانه درخواست می‌شود تا به اتهامات علیه پولس رسیدگی کند.

او گفت، به حرف‌های ما گوش بده. این درباره ویژگی‌های شخصیتی است. مهربان و فروتن.

منظورم این است که وقتی به این نکته نگاه می‌کنید که وقتی عیسی می‌گوید، من حلیم هستم، من به آرامی احتمالاً حلم و ملایمت مسیح در اینجا، رفتار ملایم او را در طول زندگی زمینی‌اش، از جمله عدم انتقام‌جویی او حتی در طول مصائبش، توصیف می‌کند. و پولس نیز همین را نشان می‌دهد. وقتی در مورد حلم صحبت می‌کنیم، این ویژگی تحت تأثیر قرار نگرفتن بیش از حد توسط حس خودبزرگ‌بینی است.

می‌دونی، ما همیشه می‌گیم که بعضی آدم‌ها تو ذهن خودشون اسطوره‌ان. اونا تو ذهن خودشون اسطوره‌ان. اونا خودشون رو تو ذهن خودشون اسطوره می‌بینن.

پاول آن نبود. پاول در ذهن خودش خودش را یک اسطوره نمی‌دید. به هیچ وجه.

او احساس خودبزرگ‌بینی افراطی نداشت. نه، به هیچ وجه. به عبارت دیگر، وقتی در مورد غرور، فروتنی، ملایمت و نرمی صحبت می‌کنیم، در کتاب مقدس برای اشاره به نگرش فروتنانه و ملایمی که در موقعیت‌های خاص خود را نشان می‌دهد، مانند تسلیم بی‌صبرانه در برابر رنجش، عاری از کینه و میل به انتقام، استفاده می‌شود.

حالا، این دقیقاً همان تقدس است. به تمام کارهایی که با پولس انجام شد فکر کنید. این اساساً یک فضیلت اساسی مسیحی است، گرایشی که به موجب آن فرد بدون مقاومت، انضباط‌های خدا را می‌پذیرد، همانطور که عیسی تسلیم انضباط‌های خدمت خود شد.

این همان چیزی است که در مورد فروتنی وجود دارد - و سپس ملایمت. ملایمت شامل حس بخشندگی و بردباری است، ویژگی‌ای که وقتی واقعیت‌های موقعیت ممکن است واکنش متفاوتی را ایجاد کند، اما شما آن را می‌پذیرید، اجازه می‌دهد.

کلمه خانواده همان چیزی است که شخصیت بردبار و مهربان خداوند را توصیف می‌کند. پولس با این اصطلاح، همانطور که جان کالوین می‌گوید، اشاره می‌کند که هیچ چیز به اندازه نرمی و ملایمت، که برای یک خادم مسیح لازم است، به قلب او نزدیک‌تر نیست. یک خادم مسیح باید نرم و ملایم باشد.

و البته، پولس در رساله‌ی شبانی می‌گوید که نباید بحث‌برانگیز باشد. با توجه به اتهامات علیه او، پولس خود را با لحنی طنزآمیز توصیف می‌کند. به آنچه او اکنون در آیه‌ی ۲ می‌گوید نگاه کنید. می‌پرسم، وقتی من حضور دارم، نیازی نیست با جسارت و مخالفت با کسانی که فکر می‌کنند ما طبق معیارهای انسانی عمل می‌کنیم، جسارت نشان دهم.

یعنی وقتی رو در رو با شما هستیم، می‌دانیم که چگونه رفتار می‌کنیم. منظورم این است که الان آن را در کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی می‌خوانم. از شما می‌خواهم که وقتی حضور دارم، نیازی نباشد با همان اعتماد به نفسی که پیشنهاد می‌کنم در برابر برخی که ما را مطابق با طبیعت می‌دانند، شجاع باشم، جسور باشم.

به عبارت دیگر، ما لاف نمی‌زنیم، به هیچ وجه. ما ترسو نیستیم. می‌دانید، وقتی با شما هستیم احساس می‌کنید که ما ترسو هستیم، اما وقتی دور هستیم، پولس می‌گوید، نه، نگذارید آنطور که می‌خواهید من را ببینید، به سمت شما بیایم.

شما نمی‌خواهید که من با یک نگرش قوی پیش شما بیایم، به هیچ وجه. می‌بینید، قرن‌تین احتمالاً می‌گفتند که این رسول بسیار ضعیف است. آدام کلارک فکر آنها را به طور خلاصه بیان می‌کند.

به حرف‌هایش گوش کن. من نقل می‌کنم که این رسول شما فقط یک لاف‌زن است. وقتی در میان شماست، می‌دانید که وقتی غایب است چقدر پست و حقیر است.

خب، ببینید چطور لاف می‌زند و فخر می‌فروشد - پایان نقل قول. منظورم این است که این خلاصه‌ی چیزی است که آنها می‌گفتند، چیزی که این افراد می‌گفتند، اینکه او اصلاً نه، او را فراموش کنید، او خیلی ترسو است.

و خیلی جالبه که این کلمه‌ای که اینجا استفاده می‌کنن، توی عهد جدید هم استفاده شده. یعنی فروتن، پست، فروتن. توی یعقوب، فصل ۱، آیه ۹ هست، بذار برادر پست و حقیر باشه.

این طور که نوشته شده. در متی فصل ۱۱، آیه ۲۹ استفاده شده، زیرا من حلیم و افتاده‌دل هستم. اول پطرس فصل ۵ آیه ۵، او گفت، من نزد تو می‌آیم، دوباره به آن نگاه کن، گفتم، وقتی رو در رو ملاقات می‌کنیم نزد تو می‌آیم، اما وقتی از تو دور می‌شویم، ترسو هستیم.

اما اینجا، در دوم قرن‌تین، فصل ۱۰، به معنای منفی علیه پولس به کار رفته است. این کلمه معنای منفی یا بسیار تحقیرآمیزی به خود می‌گیرد که در عهد جدید بسیار غیرمعمول است. بنابراین، آنها می‌گویند، پولس این فقط مسئله فروتنی نیست، نه، بلکه تو بنده‌ای، تو تحقیر شده‌ای، آنها او را اینگونه می‌بینند.

کلمه ترسو را در علامت نقل قول قرار داده است؛ این همان چیزی NIV به همین دلیل است که می‌بینید است که آنها پولس را به آن خطاب می‌کردند. این بار معنایی منفی‌تر با کاربرد رایج این اصطلاح در دنیای

بزرگتر هلنیستی، همانطور که توسط قرن‌تیان شناخته می‌شود، سازگار است. بنابراین، پولس، با پیروی از الگوی خداوند مجسم خود، به طور متناقضی آنها را تأیید می‌کند.

شما می‌گویید من فروتن هستم، بله، اما نه به آن معنایی که شما فکر می‌کنید. شما فکر می‌کنید من فروتن هستم، و من واقعاً فروتن هستم، اما نه به آن شکلی که شما فروتنی را درک می‌کنید، به هیچ وجه. بنابراین او می‌گوید، من، که حلیم هستم، این در آیه ۱ آمده است. من، که حلیم هستم، وقتی رو در رو با شما هستم.

می‌بینید، اینجا پولس بحث را برعکس می‌کند. آنها می‌گفتند، پولس، اوه، او خیلی پست است، او خیلی ترسو است، او خیلی چاپلوس است. پولس هم از همین کلمه استفاده می‌کند. او می‌گوید، بله، حق با شماست من ترسو هستم، من پست هستم، اما آنچه شما به عنوان ترسو و پست می‌بینید، به آن معنایی که شما می‌فهمید نیست.

او همان کلمه‌ای را به کار می‌برد که مخالفانش علیه او به کار می‌برند، اما او حقارت خود را در قالب حقارت مسیح می‌فهمد. سپس در آیه ۲ می‌گوید، از تو می‌پرسم. در آیه ۲، در واقع، آن کلمه، «می‌پرسم»، فعل متفاوت و ملایم‌تری است.

قبلاً او می‌گفت، من از تو درخواست می‌کنم، پاراکالئو، اما اینجا می‌گوید، از تو می‌خواهم. او می‌گوید، از تو خواهش می‌کنم. کلمه‌ای که اینجا برای پرسیدن استفاده شده بهتر است به التماس، التماس می‌کنم ترجمه شود.

ای دثو مای، التماس می‌کنم. اکنون او با مشخص کردن محتوای آیه ۱، جذابیت آن را از سر می‌گیرد. او از قرن‌تیان می‌خواهد که امور را طوری تنظیم کنند که وقتی او می‌آید، مجبور نباشند.

می‌بینی، انگار التماس می‌کنم وقتی من اینجام، لازم نیست با اون اعتماد به نفسی که پیشنهاد می‌کنم در مقابل بعضی‌ها شجاع باشم، جسور باشم. انگار التماس می‌کنم. منظورم اینه که، پولس اینجاست

ما چیزهای زیادی از این مرد یاد گرفتیم. او گفت، من نمی‌خواهم کاری را که شما می‌خواهید انجام دهم. من جسور هستم، اما نوع جسارتی که نشان می‌دهم شبیه آن نوع جسارتی نیست که شما می‌خواهید.

او این را گفت، که من پیشنهاد می‌کنم در برابر برخی که ما را طوری می‌بینند که انگار طبق معیارهای انسانی کار می‌کنیم، شجاع باشیم. بنابراین، پولس در آیه ۲ انکار می‌کند که زندگی خود را طبق معیارهای انسانی اداره می‌کند، اما تصدیق می‌کند که در جسم زندگی می‌کند. می‌بینید، اینجا یک بازی با کلمات وجود دارد که در یونانی کاملاً مشهود است.

کاتاساکا، یعنی مطابق با معیارهای انسانی، اداره نمی‌کند، اما اذعان دارد که انسانی، یعنی به عنوان یک انسان، زندگی می‌کند. او زندگی‌اش را مطابق با معیارهای انسانی اداره نمی‌کند، اما با این حال انسان است. جسم منبع جهت‌گیری زندگی و خدمت او نیست، اما او لزوماً مانند یک انسان زندگی می‌کند.

او در دنیای انسان‌ها با محدودیت‌هایش زندگی می‌کند و در معرض ضعف‌های انسانی است، اما با این حال مانند یک انسان صرف نمی‌جنگد، نمی‌جنگد یا کار نمی‌کند. پولس در پاسخ به منتقدانش، استعاره اخلاقی را زندگی می‌کنیم، اما جنگ نمی‌کنیم ensaki به استعاره نظامی تغییر می‌دهد. زیرا اگرچه ما در دنیای

، او از کلمه «اکنون» استفاده می‌کند که به معنای جنگیدن است، همانطور که دنیا انجام می‌دهد. بنابراین تضاد بین زندگی در جسم و جنگ، مطابق با جسم، ترجمه‌ای را که ما داریم مبنی بر اینکه ما در این مسیر قدم نمی‌گذاریم، توجیه می‌کند. بنابراین، آنچه در آیه ۴ آمده است، گسترده‌ترین استفاده پولس از تصویرسازی نظامی در نامه‌هایش است.

جنگیدن، سلاح، جنگاوری، دژها، چیزهای بلند، اسیر گرفتن، حالت آمادگی. این عبارتی است که در مسیحیت، به ویژه در اکثریت جهان، وقتی در مورد جنگ معنوی صحبت می‌کنیم، به خوبی شناخته شده است. مطمئنم که در برهه‌ای از زمان، همه ما این عبارت را شنیده‌ایم: سلاح‌های جنگ ما، به ویژه در نسخه کینگ جیمز، جسمانی نیستند، بلکه از جانب خدا قدرتمندند تا دژها را ویران کنند.

من از جنس جسم نیستم، بلکه از قدرت الهی برای ویران کردن قلعه‌ها برخوردارم. ما گمانه‌زنی‌ها و هر چیز متکبری را که در برابر شناخت خدا قد علم می‌کند، نابود می‌کنیم و هر فکری را به اطاعت از مسیح اسیر می‌کنیم. بنابراین، این همان متنی است که در مورد جنگ معنوی بسیار شناخته شده است، اما در این زمینه، پولس در مورد مشکلات قرن‌تیان صحبت می‌کند، کسانی که در آنجا مداخله‌گر بودند، کسانی که وارد شدند و در واقع مانند انسان‌های نفسانی با او جنگیدند، او را تحقیر کردند، سرزنش کردند، شخصیت او را تخریب کردند، سعی کردند شهرت او را بدنام کنند، و او می‌گوید که من دقیقاً کاری را که آنها انجام می‌دهند، انجام نمی‌دهم.

این یعنی چی؟ او می‌گوید سلاح جنگ ما می‌بینید، او آن را در تضاد با سلاح‌های آنها تعریف می‌کند و می‌گوید که از قدرت الهی برخوردار است، قدرت الهی دارد. سلاح‌های پولس، سلاح‌های مسیح‌گونه، زندگی مسیح‌گونه‌ای که دارد و انجیل مسیح است که او اعلام می‌کند.

زندگی مسیح‌گونه‌ای که او دارد و انجیلی که اعلام می‌کند. بنابراین، در اینجا، پولس خود را به تصویر می‌کشد و می‌گوید که انجیل قدرت الهی است که دژها را ویران می‌کند یا فرو می‌ریزد. او دیگر خود را به عنوان یک اسیر، همانطور که در فصل ۲ در صفوف پیروزمندانه خدا دیدیم، به تصویر نمی‌کشد، بلکه اکنون خود را به عنوان سربازی مسلح به سلاح انجیل که با روح نیرو گرفته است، به تصویر می‌کشد.

او ابتدا به دژهای قدرتمند کسانی که با آموزه‌های نادرست و استدلال‌های گمراه‌کننده به خدمت او حمله می‌کنند، حمله می‌کند. اما شاید او چیزی بیش از این در ذهن داشته است. او مسلح به سلاح‌هایی می‌آید که در نهایت به قدرت روح وابسته هستند، نه به قدرت و استعداد انسانی.

منظورم این است که من درک می‌کنم که برای کسانی از ما که اکثریت جهان را تشکیل می‌دهیم، به ویژه در آفریقا و آسیا، این متن برای ما در مورد جنگ معنوی مهم است زیرا ما با حضور همه جانبه ارواح زندگی می‌کنیم. منظورم این است که برای کسانی از ما که از جهان اکثریت هستیم، ارواح، ارواح شیطانی همه جا حاضر هستند، تقریباً همه جا هستند. بنابراین، ما از این متن استفاده می‌کنیم و می‌گوییم سلاح‌های جنگی، خب شاید خوب باشد که آن را به کار ببریم و از آن استفاده کنیم، اما در چارچوب آنچه پولس اینجا می‌گوید، او در مورد کسانی صحبت می‌کند که با او مخالف هستند.

بنابراین، رسول استعاره نظامی را با سه عبارت توضیح می‌دهد: عبارات وصفی. ما جنگ می‌کنیم. او از نابودی استدلال‌ها و هر ادعایی که خود را در برابر دانش خدا قرار می‌دهد، صحبت می‌کند.

کلمه استدلال در اینجا، کاربرد منفی این کلمه یا آنچه برخی افراد در آیه ۲ فکر می‌کنند را منعکس می‌کند. بنابراین، پولس به انتقاد خاص، استدلال‌های دیگر منتقدانش در قرن‌تس، و همچنین استدلال‌های فریبنده و

زیرکانه به طور کلی اشاره می‌کند، و ما تصدیق می‌کنیم که برخی از این چیزها توسط شیطان انگیزه گرفته شده‌اند. ما نمی‌توانیم این را انکار کنیم، اما بیایید بفهمیم که او در مورد چه چیزی صحبت می‌کند. اساساً در اینجا استدلال‌هایی وجود دارد که مخالفان علیه او، علیه خدمت او، و البته خطری که این امر برای خدمت او و فریبی که در جریان بود، ایجاد می‌کرد، و سپس او می‌گوید هر مانع مغرورانه‌ای که خود را در برابر انجیل قرار می‌داد. بنابراین، او در اینجا انجیل را به عنوان شناخت خدا، شناخت خدا معرفی می‌کند.

این درباره تظاهر صحبت می‌کند. بنابراین، ما باید ببینیم، و سپس ادامه می‌دهد که هر فکری را به اسارت گرفتن تا آن را مطیع مسیح کند. در اینجا، منظور از فکر، طرح‌ها یا نقشه‌هایی است که ذهن انسان برای فرار از حقیقت و ادعاهای انجیل به کار می‌گیرد، و او درباره به اسارت کشیدن آن افکار صحبت می‌کند.

اسارت در این دنیا، شورشیان را به اطاعت از مسیح سوق می‌دهد، یعنی پولس مردم را به اطاعت از مسیح ترغیب می‌کند. پولس، مدافعان شورشی اسیر شده یک شهر مستحکم، دژی مستحکم را به تصویر می‌کشد که در هر کجا که باشد، می‌تواند به خدمت به مسیح تقلیل یابد. بنابراین، پولس در اینجا به طور جدی استدلال می‌کند که او در حال نبردی معنوی بوده است.

مخالفان پولس، او را فردی قضاوت می‌کردند که مطابق با طبیعت نفسانی خود عمل می‌کند. یعنی، آنها تلویحاً می‌گفتند که او زندگی و خدمت خود را تحت قدرت و هدایت گناه انجام می‌دهد. این همان مفهوم ضمنی است. فرد فروتن می‌تواند وقتی سلامت معنوی دیگران تهدید می‌شود، جسور باشد و هر کاری را که موقعیت ایجاب کند، انجام دهد.

قاطعیت پولس همچنین در جنگی که او علیه دشمنان معنوی خود به راه می‌اندازد، آشکار می‌شود. پولس مانند دشمنانش، جنگ معنوی را بر اساس نفس انجام نمی‌دهد. او ادعا می‌کند که سلاح‌های او از جنس نفس نیستند.

حال، وقتی پولس می‌گوید سلاح‌هایش مطابق با معیارهای انسانی نیستند، باید درس بگیریم. او می‌خواهد ما چه چیزی را بدانیم؟ او به ما می‌گوید که باید در استفاده از نمایش‌ها و ترفندهای دنیا هوشیار باشیم. نباید فریب بخوریم و فکر کنیم که روش‌های ما مهم نیستند یا به عبارت دیگر، با این گفته که هدف وسیله را توجیه می‌کند، موافق نباشیم، نه برای پولس.

روش به همان اندازه پیام مهم است، زیرا اگر روش‌های ما اشتباه باشند، ما نبرد را باخته‌ایم. اگر روش‌های ما اشتباه باشند، ما نبرد را باخته‌ایم. سلاح‌های مؤمن به واسطه خدا قدرتمند هستند تا دژهای دشمن را که پولس آنها را به عنوان استدلال‌های ناجیان و هر چیز والایی که خود را در برابر دانش خدا برتر می‌بیند، تعریف می‌کند، فرو بریزند.

می‌بینید این چه می‌گوید؟ این اشاره‌ای به خرد جهانی است که در برابر دانشی که خدا از طریق انجیل به آشکار کردن آن خشنود شده است، مقاومت می‌کند، آن را رد می‌کند و خود را جایگزین آن می‌سازد. رسول مسلح به توپخانه مقدس وحشتناک خود، آماده است تا از تمام نافرمانی‌ها در برابر اقتدارش در قرن‌تس انتقام بگیرد. با این حال، او تنها پس از آنکه اطاعت قرن‌تس از اقتدارش کامل شود، وارد عمل شده و تمام مقاومت‌ها را از بین خواهد برد.

بنابراین، ما دوباره خوش‌بینی پولس را می‌بینیم. بنابراین، پولس در دفاع از رسالت خود بسیار بسیار واضح است. او در آیاتی گفته است که ما آماده خواهیم بود.

ما آماده خواهیم بود. این، استفاده او از استعاره برای توصیف رسالتش را کامل می‌کند. ما آماده خواهیم بود تا هر نافرمانی را مجازات کنیم.

این به شورشیان باقی مانده در کلیسای قرن‌تین اشاره دارد، نه منحصرأً به رسولان دروغین مزاحم. پولس می‌گوید من وارد می‌شوم و وقتی وارد شوم، به بقیه رسیدگی خواهم کرد. من نه تنها به رسولان دروغین، بلکه به بقیه شورشی‌هایی که همچنان در کلیسا ادامه دارد نیز رسیدگی خواهم کرد.

می‌بینید، پولس نوع مجازاتی را که ما نمی‌دانیم، نامشخص می‌گذارد. و شما در آنجا یک کلمه، یک کلمه اطاعت محض را می‌بینید. اطاعتی که پولس انتظار دارد، اول از همه، از مسیح و به طور ضمنی، از رسولان است.

برای جنگ مسیحی با سلاح‌های معنوی، هرگز نباید صرفاً به روش‌هایی که دنیا برای تسخیر ذهن و قلب انسان‌ها استفاده می‌کند، تکیه کنیم. ما این درس را می‌آموزیم. بلکه باید همیشه در دفاع از حقیقت، تسلیم روح مسیح باشیم.

حال، در آیات ۷ تا ۱۱، پولس انسجام اقتدار خود و پاسخ به اتهام ضعف را حفظ می‌کند. او می‌گوید به آنچه در برابر چشمان شماست بنگرید. از آیه ۷، شما به چیزها آنطور که از بیرون هستند نگاه می‌کنید.

اگر کسی به خود اطمینان دارد که مسیح است، باید دوباره این را در درون خود بررسی کند. بنابراین، پولس در آیات ۷ تا ۱۱، پس از شرح مختصر خدمت خود در قالب جنگ، اکنون شخصاً در آیات ۷ تا ۱۱ به قرن‌تین خطاب می‌کند. او توضیح می‌دهد که چگونه اقتدار خود را در میان آنها اعمال خواهد کرد و با انجام این کار، اصرار دارد که وقتی قرن‌تین به درستی شخصیت و هدف اقتدار او را درک کنند، متوجه خواهند شد که او شخصاً همان چیزی است که در نامه‌هایش به نظر می‌رسد.

می‌بینید، به عنوان یک خادم مسیح، هیچ تناقضی بین کلام مکتوب پولس به آنها در زمان غیبت و رفتار او در زمانی که تحت فشار آنها بود، وجود ندارد. هیچ تناقضی وجود نداشت. مشکل این است که برخی به اشتباه او را قضاوت کرده‌اند.

آنها به اشتباه در مورد او قضاوت کرده‌اند که اینطور بوده است، و پولس می‌گوید، نه، اصلاً اینطور نیست. بنابراین، او خدمت خود را در آیات ۳ تا ۶ شرح می‌دهد، و سپس در آیات ۷ تا ۱۱، برای آنها توضیح می‌دهد که می‌بیند وقتی آنها به درستی شخصیت او را بررسی می‌کنند، متوجه می‌شوند که او همان است. اما آنها به اشتباه او را با معیارهای دنیوی قضاوت می‌کنند.

در آیه ۷، او می‌گوید به آنچه پیش روی توست نگاه کن. حالا، یک مشکل کوچک وجود دارد: آیا این یک آمده است: شما فقط به سطح چیزها NIV سوال است، یا اینکه پولس در حال بیان یک جمله است؟ در نیز همین را می‌گوید: شما به چیزها همانطور که هستند نگاه می‌کنید، بزدلانه، اما در NASB نگاه می‌کنید، و نگاه می‌کنید، به آنچه پیش روی چشمانتان است نگاه کنید. بنابراین، سوال این است NRSV آیه ۷، وقتی به ما آیا شاه جیمز اینطور برداشت می‌کند، آیا شما به چیزها پس از ظاهر بیرونی نگاه می‌کنید، یا همانطور که ما است نگاه کنید، یا به حقایق آشکار نگاه کنید، همانطور که NRSV داریم، به آنچه پیش روی چشمانتان در داریم، و سپس به عنوان یک امر ترجمه شده است NIV در حاشیه.

حال، هرگزینه تا حدودی پشتیبانی دارد، با این حال، به نظر می‌رسد بهتر است آن را به عنوان «به آنچه در برابر چشمانتان است نگاه کنید»، «به آنچه می‌بینید نگاه کنید»، در نظر بگیرید. این در جای دیگری از

نوشته‌های پولس مهم است، زمانی که او از آن به عنوان یک امر استفاده می‌کند، اما چیزی که ما اینجا به آن نگاه می‌کنیم این است که پولس به آنها می‌گوید، توجه کنید، به خدمت من در میان شما توجه کنید. او از آنها می‌خواهد که توجه کنند که در خدمتش در میان آنها، او نیز به مسیح تعلق دارد. به آنچه در برابر چشمان شماست نگاه کنید. اگر مطمئن هستید که به مسیح تعلق دارید، به خود یادآوری کنید که همانطور که شما به مسیح تعلق دارید، ما نیز به مسیح تعلق داریم. حال، در آیه ۸، اگر من به اقتداری که خداوند برای ساختن شما داده است و نه برای تخریب شما، افتخار کنم، حتی اگر کمی بیش از حد به آن افتخار کنم، از آن شرمنده نخواهم شد.

می‌بینید، مخالفان پولس، به معنایی برتر، ادعا می‌کنند که خادم مسیح هستند. به معنایی برتر از پولس، آنها A9 ادعا می‌کنند که بیشتر از پولس خادم مسیح هستند. در واقع، مگراث و ثورو می‌گویند که کریستوس مخفف عبارت «حواریون مسیح» است.

این شامل استفاده پولس از این عبارت می‌شود، به این معنی که او به همراه قرن‌تینان عضو کامل جامعه عهد جدید باشد. و مخالفان پولس او را از هر دو جهت بی‌اعتبار کردند. آنها گفتند، نه، تو از ما نیستی و تو رسول هم نیستی.

اما فکر می‌کنم عاشق حرف پلاگیوس در این کامنت هستم، جایی که می‌گوید، نقل قول، هیچ‌کس احمق‌تر از کسی نیست که فکر می‌کند فقط خودش متعلق به مسیح است. پایان نقل قول. هیچ‌کس احمق‌تر از کسی نیست که فکر می‌کند فقط خودش متعلق به مسیح است.

می‌دانید چه می‌گوید؟ قرن‌تینان اساساً احمق بودند که فکر می‌کردند پولس به مسیح تعلق ندارد، خادم نیست، اصلاً اینطور نیست. بنابراین، پولس می‌گوید، اگر کسی، شاید، اگر اصلاً، به سردسته مزاحمان اشاره کند. اینکه مخالفان خود را ناشناس بنامیم، توهین بود.

بنابراین، برای اینکه پولس بگوید، اگر کسی، می‌توانست به سادگی نام حریف را ذکر کند. اما او گفت، اگر کسی، و البته قرن‌تینان آن شخص را می‌شناسند. اشاره پولس احتمالاً بیشتر جنبه‌ی نمایشی دارد تا جزئی.

خب، به عبارت دیگر، هر کسی، هر کسی، نه به اندازه سرکرده‌اش، بیگانه بود؛ هر دوی این‌ها محتمل هستند. اگر کسی، سرکرده یا نام ذکر شده یا هر کسی، مثلاً در مورد هر کسی، فکر می‌کند که متعلق به مسیح است، من بیشتر به او تعلق دارم. و سپس ادامه می‌دهد، ما هم همینطور.

حال، حتی اگر کمی بیش از حد به اقتدارم ببالم، با توجه به اینکه خداوند برای ساختن شما فدا شد و نه برای ویران کردن شما، از آن شرمنده نخواهم شد. در خدمت پولس، در میان قرن‌تینان، است که یک ترقی خود گویای همه چیز است. پولس می‌گوید، گوش دهید، خدمت من در میان شما کافی است.

این خودش گویای همه چیز است. واقعاً گویای همه چیز است. و اگر کسی الان چیزی برای افتخار کردن داشته باشد، حتی اگر کمی هم به آن ببالم، می‌بینید که همین کلمه قبلاً هم آمده است.

او گفت، من فقط دارم لاف می‌زنم. قرار نیست شرمنده باشم. من از این طرز بیان جان و سلی خوشم می‌آید.

او گفت من چیزی بیش از آنچه می‌توانم انجام دهم، نگفتم. من چیزی بیش از آنچه می‌توانم انجام دهم، نگفتم. پولس می‌گوید، ببینید، من کارم را انجام داده‌ام.

شما این را می‌دانید، که خداوند ما را برای ساختن شما داده است، نه برای ویران کردن شما. من از این شرمنده نخواهم بود. بنابراین، پولس در مورد اقتدار خود به عنوان یک رسول صحبت می‌کند.

او خوانندگانش را ترغیب می‌کند که با واقعیت امور، آنطور که هستند، روبرو شوند. می‌بینید، ما امروز باید یاد بگیریم. بسیاری فریب فریب‌ها و دروغ‌های دشمنان را خورده‌اند.

پولس می‌خواهد که آنها حقایق را به وضوح ببینند. فرد فروتن می‌تواند این را ببیند. فروتنی ما را ملزم به نادیده گرفتن حقایق نمی‌کند، حتی اگر برای ما ناخوشایند باشند.

شخص فروتن واقعیت را می‌پذیرد. بنابراین، او به آنها گفت که ببینند. پولس به این قرن‌تیان می‌گوید که آن را تماشا کنند.

باید بدانی چه کسی را دیده‌ام. معمولاً رسول به اقتدار خود فخر نمی‌فروخت، اما اکنون ضرورت او را مجبور به این کار می‌کند. او با سکوت کردن، گویی که شاید است، شرمنده نخواهد شد.

اگر او سکوت می‌کرد، به سادگی هر آنچه را که آنها گفته بودند، تأیید می‌کرد. اگرچه او به عنوان یک مرد فروتن می‌نوشت، اما به همان اندازه به اقتدار خود افتخار می‌کرد، زیرا این اقتدار به او داده می‌شد، به خاطر آنها، برای اهداف سودمند خودشان، برای تهذیب دیگران. از سوی دیگر، پولس تلویحاً می‌گوید که معلمان دروغین از اقتدار خودخوانده خود برای نابودی استفاده می‌کردند.

تعالیم و رفتار آنها کلیسا را نابود می‌کرد. یک رسول واقعی هرگز از اقتدار خود برای این منظور استفاده نمی‌کند. به عنوان مثال، قصد پولس این نبود که با مکاتبات خود، وزن رسالتی خود را به نمایش بگذارد تا خوانندگان خود را بترساند یا غرامت بپردازد.

ما این را در آیه ۹ می‌بینیم. قرن‌تیان همچنین متوجه خواهند شد که اتهام دیگری که دشمنانش علیه او مطرح کردند، درست نیست. شما این اتهام را در آیات ۱۰ و ۱۱ می‌بینید. زیرا آنها می‌گویند نامه‌های او سنگین و قوی است، اما حضور شخصی او بی‌تأثیر و گفتارش حقیر است.

بگذارید چنین شخصی این را در نظر بگیرد: آنچه ما در غیاب با نامه‌ها در باطن هستیم، در حضور نیز واقعاً چنین افرادی هستیم. او نمی‌خواهد با عصا به قرن‌تس برود. اکنون به آیات ۱۲ تا ۱۸، آخرین بخش آن متن، می‌رسیم.

در اینجا، او دربارهٔ فخرفروشی صحبت می‌کند. پولس از خوانندگان خود می‌خواهد که نه تنها نگاهی دوباره به حقایق بیندازند، بلکه زمینهٔ فخرفروشی‌های او را نیز در نظر بگیرند. می‌بینید، فرد فروتن می‌تواند تا زمانی که فخرفروشی‌اش بر پایه‌ای واقعی و مطمئن استوار باشد، فخر کند.

لافزنی‌های دشمنان پولس از دو جهت بی‌اساس بود. اول اینکه، آنها خود را معیار برتری قرار می‌دادند و دستاوردهای دیگران را به خود نسبت می‌دادند. سبک زندگی پیامبر دروغین در تضاد با سبک زندگی پولس بود.

پولس شجاعت این را ندارد که خودش را با این افراد مقایسه کند یا آنها را بشمارد، بنابراین از فخرفروشی مانند آنها با سنجش و مقایسه خودشان با خودشان، که عاقلانه نیست، خودداری می‌کند. می‌بینید، پولس

هم در یک فرهنگ رقابتی مانند ما زندگی می‌کرد. می‌بینید، در فرهنگ رقابتی خودمان، مقایسه کردن یک چیز طبیعی است.

بچه‌ها دائماً سن، قد، نمرات و توانایی‌های خود را با هم مقایسه می‌کنند. بزرگسالان دستاوردها، تحصیلات، موقعیت‌ها، خانه‌ها، ماشین‌ها، تحصیلات و دارایی‌های مادی خود را با هم مقایسه می‌کنند. متأسفانه کشیشان نیز تعداد اعضای جماعت، تعداد شرکت‌کنندگان در جلسات، دارایی، موسیقی و بسیاری چیزهای دیگر را با هم مقایسه می‌کنند.

و می‌توانیم ادامه دهیم، و بدون شک، دوست داریم خودمان را با کسی مقایسه کنیم که ما را خوب جلوه می‌دهد. همیشه نمی‌توانیم کسی را پیدا کنیم که با ما مطابقت نداشته باشد. ما فکر می‌کنیم که در حال ساختن خودمان هستیم، در حالی که در واقع، دیگران را زمین می‌زنیم.

این شر است، و پولس می‌گوید ما خودمان را با خودمان مقایسه نمی‌کنیم، مثل کاری که این افراد می‌کنند، چون با مقایسه خودمان با خودمان، آنها احمق هستند. و کلیسا امروز از چنین مقایسه‌ها و رقابت‌هایی رنج می‌برد. چه کسی بهترین ساز را دارد؟ چه کسی بهترین ارکستر را دارد؟ چه کسی بهترین ساختمان را دارد؟ چه کسی بزرگترین کلیسای جهان را دارد؟ چه کسی بزرگترین ساختمان جهان را دارد؟ چه کسی بلندترین ساختمان جهان را دارد؟ منظورم این است که این مقایسه مدام و مدام ادامه دارد.

اگر در دنیا شرارت وجود دارد، پس در بدن مسیح چقدر بیشتر؟ ما خادمان را با خادمان، واعظان را با واعظان، صدای آنها را با صدایشان، شیوه موعظه آنها و همه اینها مقایسه می‌کنیم و این همچنان ادامه دارد. و جماعت‌ها خود را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. این مقایسه متوقف نشده است.

و مخالفان پولس مجموعه‌ای از معیارها هستند. پولس از پیوستن به آن امتناع می‌کند. او از درگیر شدن در چنین چیزی امتناع می‌کند.

و نه تنها این، بلکه در آیه ۱۳، از آیات ۱۳ تا ۱۶، او در واقع از به خود گرفتن هر چیزی که متعلق به زحمت دیگران است، خودداری می‌کند. او مراقب است که فقط به زمینه‌ای که خدا به او اختصاص داده است، یعنی زمینه‌ای که شامل قرن‌تس می‌شود، افتخار کند. و سپس در آیه ۱۴، هرگونه گسترش بیش از حد خود را انکار می‌کند، گویی قرن‌تس حوزه مناسب خدمت او نبوده است.

او اولین کسی بود که با انجیل مسیح تا قرن‌تس پیش رفت. پولس که نمی‌توانست به چیزهایی فراتر از حوزه کاری تعیین‌شده‌اش ببالد، در آیه ۱۵ می‌گوید که قرار نیست کار دیگران را به نام خود ثبت کند. نه به هیچ دلیلی.

اما او انتظار داشت که در مناطق ناشناخته دیگر، مناطق دست‌نخورده این سرزمین، زمانی که ایمان قرن‌تس به اندازه کافی افزایش یافته باشد تا بتوانند امور خود را اداره کنند، خدمت کند. در واقع، او انتظار دارد که انجیل را در مناطقی فراتر از قرن‌تس، حتی غرب روم، موعظه کند. در آیه ۱۶، او از فخر کردن به کاری که قبلاً توسط شخص دیگری انجام شده است، خودداری می‌کند.

می‌بینید، فخرفروشی پولس در فصل ۱۰ بر این اصل مهم استوار است که هر فخرفروشی باید در خداوند انجام شود. هر فخرفروشی. یک فرد فروتن، اعتبار هر آنچه را که در طول زندگی‌اش به دست می‌آورد، به خداوند می‌دهد.

زیرا او می‌داند که نمی‌تواند کاری را جدا از خداوند انجام دهد. بنابراین، تمام فخر و مباهات باید در خداوند باشد. شکرگزاری از او برای آنچه که او از طریق ما انجام می‌دهد.

خداوند کسی را که خود را بر اساس معیارهای برتری خودش ستایش می‌کند، مانند اولین معلمان قرن‌تس نمی‌پذیرد. می‌بینید، ارزش ستایش به شخصیت گوینده بستگی دارد، نه به کلماتی که گفته می‌شود. به این ترتیب، تنها کسی که خداوند او را ستایش می‌کند، می‌تواند واقعاً بگوید، خب، من از خدا سپاسگزارم که این همه کار برای من انجام داده است.

kalkomai ما باید مراقب باشیم. می‌بینید، فخر فروشی چیزی است که باید مراقب آن باشیم. می‌بینید، فعل به معنای فخر فروشی، حدود ۶۰ بار در عهد جدید آمده است، kalkesis یا kalkemai و اسم‌های

بنابراین، باید فقط برای یک دقیقه در مورد آن صحبت کنیم. از این تعداد، بسته به اختلاف متن، حدود ۵۴ یا ۵۴ یا ۵۵ مورد در نامه‌های پولس آمده است. اگرچه در عهد جدید فقط ۶۰ بار این عبارت وجود دارد اما حدود ۵۴ یا ۵۵ مورد در نامه‌های پولس آمده است.

کلمه «گروه» بار معنایی منفی خودستایی یا غرور مثبت دارد. بنابراین می‌تواند منفی باشد، می‌تواند مثبت باشد. تفاوت از نظر پولس بستگی به این دارد که فرد به چه چیزی و چرا فخر می‌کند.

فخر کردن به دستاوردهای الهی، بیان مناسبی از ستایش خداوند است. اما فخر کردن به دستاوردهای انسانی همیشه ناموجه است. با این حال، پولس فخر کردن به ضعف و رنج انسانی را برای مسیحیان قابل قبول می‌داند.

چرا؟ چون جایی برای قدرت خدا باقی می‌گذارد. بنابراین، باید به خداوند افتخار کرد. و می‌بینید که پولس چگونه این فصل را در آیات ۱۷ و ۱۸ به پایان می‌رساند.

اما او به خود خواهد بالید، به خود خواهد بالید، به خداوند. و پولس این را در اول قرن‌تس نقل کرده است. این از ارمیا فصل ۹، آیه ۲۴ است.

هر که فخر می‌کند، باید به خداوند فخر کند. فخر ما باید به خداوند باشد، نه به دستاوردهای انسانی مان، نه به استعدادمان، نه به استعدادهایمان. اما زمینه‌ی فخر ما باید آن چیزی باشد که از طریق خدا و برای خدا، آن‌گونه که ما آنها را دیدیم، انجام می‌شود.

این دکتر آيو آدوویا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرن‌تس است. این جلسه ۱۱، رساله دوم قرن‌تس ۱۰، دفاعیات رسولی پولس است.